

## چرا میر حسین موسوی تاریخ را تحریف میکند؟

«میر حسین موسوی در مصاحبه با سایت کلمه: آنها از شگردهایی استفاده می کنند که در رژیم های توتالیتر، شبیه شوروی دوران استالین و یا رومانی زمان چائوشسکو، استفاده میشد!»

یاقوه سرائی های میر حسن موسوی نخست وزیر سابق جمهوری اسلامی و نورچشمی خمینی جلا، یکی از عوامل اصلی شکنجه، اعدام و کشتار دهها هزار آزاده زن و مرد در دهه 60 و یکی از مسؤلین فاجعه قتل و عام هزاران زندانی سیاسی در تابستان سال 67 تمامی ندارد و دوباره در آخرین مصاحبه خود برای مخدوش کردن و به بیراهه بردن اذهان نسل جدید ادعاهائی را عنوان میکند که در گذشته هم چندین بار توسط خود و اصحابش تکرار شده است. موسوی نماینده سیاسی بخشی از طبقه جهانی ستمگری است که در کشتار و سرکوب وحشیانه مردم زحمتکش و ستمدیده برای برقراری نظم سرمایه داری هیچ دست کمی از رقیبان درون طبقاتی خود ندارد. او که در رقابت با هم کیشان خود جایگاه اش را بعنوان سرکرده ماشین سرکوب دولتی رژیم از دست داده است، تلاش میکند با لجن پراکنی و مسموم کردن اذهان عمومی بر علیه کمونیستها و تحریف سه دهه تلاش و مبارزه بی وقفه صدها میلیون انسان زحمتکش و ستمدیده، همکاری و شرکت فعال خود در سرکوب و کشتار وحشیانه مردم ایران و پیشروان آگاه انقلابی آنان را در راستای استحکام ارکان حکومت ددمنش جمهوری اسلامی توجیه کند. او با مقایسه رفتار و ماهیت دولت فعلی با برخی از فراز و نشیب های دوران استالین و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، در واقع قصد دارد تا فجیع ترین اعمال ضدبشری خود و جمهوری جنایت را نسبت به بهترین فرزندان ملت در گذشته نه چندان دوری، امری ضروری جلوه داده و کشتار و شکنجه زنان و مردان آزادیخواهی را که تحت نام مرتد، ضدانقلاب، جاسوس و عوامل بیگانه بخصوص در زمان جنگ دو حکومت ارتجاعی "فاشیستی" ایران و عراق برای هژمونی منطقه رایج کرده بود، مشروعیت بخشد و ریختن خون آنها را بر هر مسلمان و ایرانی وطن پرستی واجب جلوه دهد.

موسوی فراموش میکند که این دولت نیز بنا به همان ضرورت های بقاء کلیت نظام که شعار و بهانه ایشان بوده و هست، سرکوب امروز خود را توجیه می کند. دورانی بود که موسوی بدون زیارت و دست بوسی جلا جمران "حضرت امام خمینی (ره)" سر کارش نمی رفت، و روزانه دستورات و مجوز های خود را برای سرکوب و کشتار مردم و نیروهای انقلابی مستقیماً از ولایت فقیه دریافت میکرد. بسیاری از حامیان و یاران امروز او از طرحان اصلی فجایع دهه 60 به شمار می آیند و گسترش و تحکیم دستگاه امنیتی سرکوب رژیم از شاهکار های او محسوب میشود. سخن از دورانی است که نخست وزیر در حکومت ننگین اسلامی سرکردگی دولت را در دست داشت و رئیس جمهور نقش چندانی در قدرت نداشت، طوری که حتی برخی معتقدند که اصلاً نطفه اختلاف خامنه ای با او محصول همان دورانی است که ایشان نخست وزیر و نور چشمی جلا جمران به حساب می آمد و ولایت فقیه امروز رئیس جمهور ضعیف و بی قدرتی بود که اینک آن تحقیرها را فراموش نکرده است!

آیا این حزب الهی و یکی از محبوبترین مهره های خمینی که خود هنوز به آن مفتخر بوده و بر مبنایش تاکنون در جنگ قدرت با رقیبان حکومتی بقایش را تضمین کرده است، دادگاه های فرمایشی یک دقیقه ای که در آنها حتی فرصتی برای تعیین هویت محکومین به اعدام مهیا نبود، اعتراف گیری و مصاحبه های تلویزیونی که تحت شکنجه های بیرحمانه تشکیل میشدند، اعدامهای خیابانی، تجاوزها و گرفتن پول گلوله های اعدامین از خانواده های داغدار آنان، کشتار بی رحمانه کودکان، قتل عام ملیتها و خلقهای کرد و عرب و بلوچ و ترک و اقلیتهای مذهبی و ایجاد جو اختناق و سرکوب و ارعاب و وحشت و جاسوسی و تواب سازی های دوران زمامداریش را بعنوان سرکرده دولت در یکی از سیاه پوش ترین دهه های تاریخ ایران فراموش کرده است!؟

آیا در آن زمان هم استالین الگوی جنایت و فجایعی بود که او به آنها دست می زد؟ آیا الگوی اجتماعی و مشارکتی مردم در سه دهه حکومت و دولت سوسیالیستی که در برابر تمام اربابان امروز وی و جهان امپریالیستی که برای نابودی آن قد علم کرده بودند، و خلقها و ملتبهای آن از وسیع ترین و آزاد ترین مردم جهان محسوب میشدند، سرمشق جنایات دولت او و کارگزارانش را تشکیل میداد؟ آیا حقوق و جایگاهی که زنان برای اولین بار در کشور شوراها کسب کردند، مبنای ستم های بیکرانیش به زنان و مادران داغدار جامعه ما، محسوب میشد؟ آیا مبارزه و غلبه بر گرسنگی، فقر، بی کاری، فحشا، بهره کشی، بیسودای و فلاکت چند صد میلیون انسان فنا زده در عرض کمتر از دو دهه از تاریخ شوروی سوسیالیستی و بسط علم دانش و هنر و ورزش و کار و زندگی بسیار بهتری برای احاد جامعه در زمان استالین نمادی برای دولت سرمایه داری و زمینداران بزرگ او در زمان ریاستش بود؟ آیا تبدیل روسیه 80 درصد دهقانی با روابط عقب افتاده سرواژی، به یکی از قدرتمندترین کشورهای صنعتی بزرگ جهان به کمک و همکاری مردم، منبع آموزش این دست بوس «اقتصاد مال خر است» بود؟ آیا به قدرت رسیدن طبقات زحمتکش و محروم جامعه برای اولین بار در تاریخ بشری، الحام بخش دولت طبقات ستمگر و بهره کشی بود که او نمایندگی میکرد و برای حفظ منافعشان از هیچ جنایتی دریغ نمی کرد؟ زهی بیشرمی که هرکس نان خود فروشی را در این حکومت ضد انسانی خورد، تن و ذهنش به مزدروی و دروغ و تزویر آنچنان آلوده و مسموم میشود که فقط مرگ و نابودی و روز دادخواهی مردم ستمدیده علاج کار و دوی دردش خواهد بود.

این سیاستمدار آبدیده شده در این نظام دروغ و تزویر، رنگ عوض کرده و این بار مکارانه با علم سبز اسلام "سکولاریستی" و حقوق بشر (سوگند وفاداری به خمینی و آرمانهای او را پاور کنیم یا شعارهای سکولاریستی؟)، قصد دارد با یک تیر چندین هدف را همزمان مورد اصابت قرار دهد!

1. موسوی و طیف اصلاح طلبان حکومتی که تا حدود زیادی در اوایل فرصت طلبانه در پس شعارهای آزادی و دموکراسی و ضدیت با دیکتاتوری موفق به سوار شدن بر موج اعتراضات حق طلبانه مردم ستمدیده شده بودند، بعد از خیانتها و سازشهای متوالی که در افت و خیزهای مردم تاکنون از خود نشان داده و با شدت گرفتن تضادهای آستی ناپذیری که تحت تأثیر اوضاع جهانی در ایران اجتناب ناپذیرند، میروند که هرچه بیشتر از معادلات و حساب کتابهای مردم ستمدیده خارج شوند. این کهنه سیاستمدار ارتجاع نیز خود به این امر پی برده و میدانند که توده ها با بحرانی شدن بیشتر جامعه به جستجوی آلترناتیوهای دیگری خواهند پرداخت که خواستههای واقعی آنان را تجلی دهد. در رأس این آلترناتیوها چپ انقلابی قرار دارد که ایشان بخوبی با آن آشنا بوده و میدانند همانگونه که در سالهای 58-59 در شرایطی که ضد انقلاب اسلامی هنوز نتوانسته بود تمام دست آوردهای انقلاب 57 را نابود ساخته و استبداد "فاشیستی" اسلامی را در همه ابعاد زندگی مردم حاکم سازد، چگونه از چند صد کمونیست باقی مانده از مبارزات ستم شاهی

در عرض دو سال صد هزار کمونیست از نسل نوینی متولد شد که هنوز این رژیم با وجود زندان و شکنجه و کشتارهای بی‌امان سه دهه از شر آنها خلاصی ندارد. این همان آلترناتیوی است که کل سرمایه داری جهانی از آن وحشت دارد. آلترناتیوی که به مدد نیروهای انقلابی کمونیست در جامعه **میتواند** در این دوران سرنوشت ساز بحرانی جهان و ایران، این خلاء بوجود آمده را پر کرده و به کارگران، دهقانان، زنان، دانشجویان، معلمان، روشنفکران و نسل جوان به پا خاسته و تمام ستمدیدگان و زحمتکشان جامعه افق های انسانی و عادلانه ای را در جهان دیگری نوید بدهند. بد نام کردن این علم رهائی بخش و نیروهای معتقد بدان یکی از اهداف اوست که در راستای بقای نظام جمهوری اسلامی انجام میشود.

2. همانطور که در آغاز گفته شد توجیه جنایاتی که موسوی قادر به انکار آنها نیست و نمی تواند آنها را از تاریخ معاصر ما حذف کند، دلیل دیگری برای این سمپاشی هاست. بقولی اگر نمی توانی تاریخ را حذف کنی پس آن را تحریف کن. موسوی برای این توجیه باید از صادق ترین فرزندان این مرز و بوم موجودات پلیدی بسازد تا کشتار آنها برای جلوگیری از هجوم استیلای قدرت بیگانه و شیطان سرخ کمونیسم و "حکومت های توتالیتر" امری ضروری جلوه نماید. باید از آزاد زنان و مردان انقلابی جاسوس و ستون پنجم عوامل بیگانه ساخته تا بتواند کشتار خلقتها و زنان و مردانی که به این رژیم ضدبشری با قامتی ایستاده حتی در زندان و زیر شکنجه های قرون وسطایی نه گفتند، حقانیت بدهد. برای این منظور باید استالین و سه دهه تاریخ پر از افت و خیز شوری سوسیالیستی بکار آید تا در دستان خونین این **مهندس خاوران**، تحریف و به انحراف کشیده شود.

3. هدف دیگر رقیبان حکومتی هستند که اینک با همان روشی به رقابت با او میپردازند که او بدعت گذار، مهندس و طراح آن بود. موسوی نیز بیکار ننشسته و تمام استعداد های خلاقه خود را بکار میگیرد: اول تاریخ را به رسم بازپرسان دادگاه های انقلاب اسلامی تحریف کرده و از سه دهه تلاش تجربی برای برقراری اولین جامعه سوسیالیستی در طول تاریخ بشری، تصویر نادرستی ترسیم کرده که خودبخود یک جامعه مخوف فاشیستی را در اذهان مردم متصور میسازد! تلاش و همیاری بخش بزرگی از مردم جهان با مشارکت هم برای برپائی جامعه ائی نوین در چند دادگاه **ناعادلانه** زمان استالین و درک غلط او از تضادهای جامعه خلاصه شده و این حرکت عظیم توده ای و همه جانبه را حکومت توتالیتر و خود کامه ای تعریف میکند که برای مبارزه با آن حتی میتوان اسیرانش را بر سر برانکارد تیرباران کرد. استالین نماینده این هیولا ساختگی شده و در کنار چائوشسکو و گوبلز قرار داده میشود. تازه اینجا رقیبان حکومتی در قدرت او وارد خیمه شب بازیهای ایشان شده و تمام جنایت آنها فقط در مقایسه با این شیطان سرخ به انتقاد کشیده میشود. یعنی جناح احمدی نژاد و باند مخوف سپاه پاسداران و خامنه ای نه به خاطر منافع طبقاتی خود و ایدئولوژی اسلامی در خدمت غارت و چپاول، بلکه به خاطر نزدیکی عملکردشان با استالین و دولت سوسیالیستی، نامشروع اعلام شده و با نشان دادن تخطی این دولت از موازین ناب اسلام "حضرت امام خمینی" و "دفاع مقدس" هنوز در بین ملاهای مرتجع حوزه علمیه و فلان شیخ و آیت الله به دنبال کسب اعتبار می جوید. سخن گویان او هم در نهادها و پارلمان های کشورهای امپریالیستی بارها پیام های ارادت و چاکری او را به عرض رسانده و قول تضمین روند جهانی انباشت سرمایه را داده اند. موسوی میفهمد که دیگر نمی تواند به راحتی بر سر مردم جان به لب رسیده با "الاغ تروا" و شکیبائی و "قانون اساسی" شیریه بمالد به همان دایره ای متکی میشود که خود از همان آغاز در آن قرار داشته و هنوز دارد. موسوی با تلاش برای غیر اسلامی نشان دادن جناح حاکم میخواهد کل نظام را که خود او هم بخشی از آن بوده و بقایش به آن وابسته است، از فروپاشی نجات بدهد تا دوباره در راس ماشین دولتی به کمک سرمایه داری جهانی بساط غارت و چپاول را در چهار چوبهای همین نظام رنگ تازه ای در ایران بدهد.

پس بطور خلاصه میر حسین موسوی با این پشتک و واروهای خود در وحله اول، قصد دارد جنایات مستقیم خود را در دوران زمامداریش که از وحشتناکترین دوران تاریخ ایران به شمار میرود، توجیه کند. دوم، با فرهنگ سازی ضد کمونیستی و دشمنی با آنها بعنوان آلترناتیوی زنده در برابر کل این نظام ضدبشری همان مبارزه دهه 60 خود را از جایگاه فعلی اش ادامه می دهد. سوم، تحت فشار قرار دادن رقیبان حکومتی با سلاح عدم رعایت موازین اسلام ناب خمینی و کپی برداری از تجربه های شیطان سرخ! **چهارم**، خارج کردن حکومت اسلامی از زیر تیغ حملات مردم جان به لب رسیده است تا چندی صبای دیگر تاریخ مصرف اش در غالب های دیگری از دولت سرمایه داری تمدید شود.

موسوی خود بهتر از همه میداند که اگر امواج انقلاب بساط همه آنان را جمع کند قبل از افتادن به ذباله دانی تاریخ اول باید پاسخ گوی جنایت های خود و دولتش نسبت به مردم ستمدیده و همه نیروهای باشد که او بطور مشخص مسئول مستقیم کشتار دهها هزار از آنهاست. این وحشتی است که خواب از چشمان او و تمام کارگزاران جمهوری اسلامی پرانده است و دشمنی با نیروهای که پرچم دار این دادخواهی هستند نیز در مرکز فعالیت های او و تمامیت این حکومت قرون وسطایی قرار دارد!

**سرنگون باد نظام جمهوری اسلامی**

...راوی

بیست و هفتم دی ۱۳۸۹ برابر با هفدهم ژانویه ۲۰۱۱